

تجربه دیگران

میان‌سالان واحساس بیچارگی

● از نظر برخی، مفهوم «بحران میان‌سالگی» فقط یک گزاره است که برخی افراد درباره‌اش سخن می‌گویند یا روشی بیش از حد ساده برای توضیح رفتارهایی مانند خریدهای زاده از حد، اما آن‌طور که ایندپندنت گزارش داده و طبق یک تحقیق جدید، ممکن است این یک حقیقت باشد! زیرا تخمین زده می‌شود افراد وقتی که در حدود ۴۷سالگی قرار دارند، ناخوشایندترین حالت خود را تجربه می‌کنند.

پروفسور دیوید بلانچفلور، استاد اقتصاد در کالج دارتموث در ایالات متحده و سیاست‌گذار پیشین در بانک مرکزی انگلیس، تحقیقی درباره ماهیت خوشبختی انجام داده است، این مطالعه که به وسیله دفتر ملی تحقیقات اقتصادی منتشر شده، برای ارزیابی ارتباط بین بهزیستی و سن است و داده‌های ۱۳۲ کشور از جمله ۹۵ کشور در حال توسعه و ۳۷ کشور توسعه‌یافته را ارزیابی کرده است.

برای این تحقیق، این اقتصاددان به بررسی اطلاعاتی که شرکت‌کنندگان درباره وضعیت شادی، خوشبختی و رضایت از زندگی بیان کردند، پرداخته است؛ عواملی از جمله وضعیت شغلی پاسخ‌دهندگان، سطح تحصیلات آنها و اینکه آیا ارتباط منسجمی مورد توجه قرار گرفته است.

با این حال، این استاد گفته است حتی وقتی این عوامل هم چندان تأثیرگذار نبودند، باز هم می‌توان از الگوی شادی مشابهی یاد کرد که یو شکل است.

طبق تحقیق او، خوشبختی ما در طول زندگی الگویی به شکل ۱۱ را دنبال می‌کند، در دوران کودکی به اوج خود می‌رسد؛ سپس دوباره در پیری، این امر منطقی است؛ با توجه به اینکه ۲۰سالگی ما زمانی است که بسیاری از ما با خواسته‌های هم‌زمان فرزندان، مراقبت از والدین سالخورده و افزایش فشار در محل کار مواجه می‌شویم.

به گفته این متخصص «منحنی در کشورهای در حال توسعه در سن ۴۸،۲ سال و در کشورهای پیشرفته در ۴۷،۲سالگی به بالاترین حد خود رسیده است».

این پروفسور تحقیق خود را با بیان اینکه «منحنی خوشبختی همه‌جا وجود دارد» به پایان رساند.

در ماه می سال ۲۰۱۹، مارک جکسون، مورخ پزشکی از جامعه‌خواست که به «بی‌توجهی به بحران میان‌سالگی» پایان دهند. واقعیت این است که میان‌سالگی برای بسیاری از پژوهشگران کمتر شناخته شده است. اما این تحقیق به نکته دیگری نیز اشاره می‌کند. برخلاف انتظاری که از قدرت می‌توان داشت، اکنون پارادوکس قدرت پدید آمده است؛ آن‌هم در زمینه آزار و اذیت زنان در محیط کار. طبق نظرسنجی از زنان شاغل در سوئد، ژاپن و ایالات متحده نشان داد کسانی که در نقش‌های مدیریتی متوسط فعال هستند، بیشتر از زنانی که در بالاترین سطح و پایین‌ترین سطح مدیریت فعالیت می‌کنند، آزار می‌بینند. در واقع یک منحنی یو شکل دیگر به دست آمده است.

این تحقیق که «پارادوکس قدرت» نامیده شده است، درباره آزار و اذیت زنان از سوی همکاران‌شان است. آنها اظهارات ناعادلانه‌ای می‌کردند، انتظار داشتند زنان چای درست کنند و نقش سنتی خانه‌داری را در محیط کار انجام دهند. بسیاری از این زنان با آزار و اذیت هم از جانب مدیران و هم زیردستان، روبه‌رو می‌شوند و ناگزیرند هزینه موفقیت خود را بپردازند.

اما چگونه است که ده‌ها سال پس از تلاش‌های زنان، بسیاری از مردان هنوز معتقدند می‌توانند هر آزاری را انجام دهند و زنان با شرم و سرافکندگی بپذیرند و تحمل کنند. بنابراین به نظر می‌رسد کافی نیست زنان در حدود ۴۰سالگی باید به فکر بردن بچه‌ها به مدرسه، ناهار بسته‌بندی‌شده، پرکردن ماشین ظرف‌شویی، خالی‌کردن ماشین ظرف‌شویی، پرداخت بیمه ماشین، تماس با خانواده خود، بردن بچه‌ها به کلاس‌های باله، شننا، تنیس، راگبی و... باشند. در کمال حیرت، زنان هنوز هم مشکلات ریشه‌ای را در سر کار دارند که مادران نسل پیش‌تر داشتند – البته همه به‌آرامی پیشرفت می‌کنند و حتی به ۴۷سالگی هم می‌رسند اما در اوج بی‌نوبی!

هرچند جای تأسف دارد که زنان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند – اما حداقل آنها صحبت می‌کنند. بنابراین در حالی که باید نگرش بسیاری از مردان تغییر کند، زنان هم همچنان نباید عقب بمانند.



شرق روزنامه

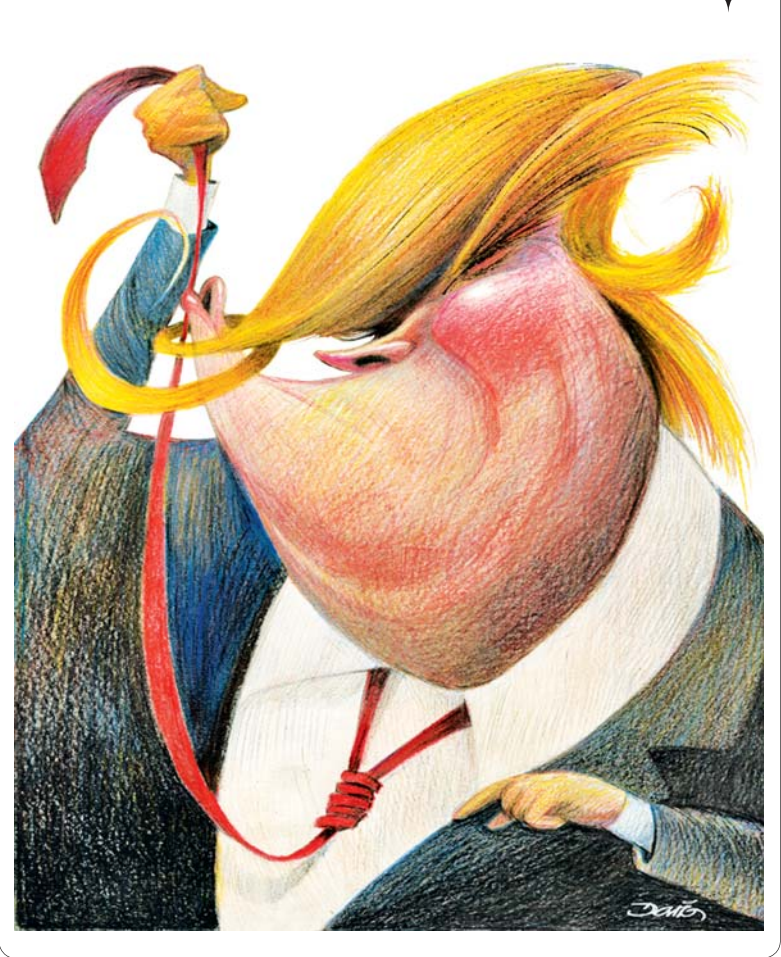
www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱ بهمن ۱۳۹۸ • ۲۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ • ۲۱ ژانویه ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۳۶۲۹ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۱۵ • اذان مغرب ۱۷:۳۹ • اذان صبح فردا ۵:۴۴ • طلوع آفتاب ۷:۱۱

روزنفرها

کارتون خواب

داریو کاستیلیجوس



اتفاق

هفته ملی مبارزه با سرطان را جدی بگیریم



نبی‌اله عشقی‌ثانی

یکم تا هفتم بهمن هفته ملی مبارزه با سرطان نام‌گذاری شده است و همه‌ساله مراسمی به این مناسبت در کشور برگزار می‌شود که آن را مفید و ضروری می‌دانیم. سرطان به‌عنوان سومین عامل مرگومیر شناخته شده است. نام سرطان با خودش ترس از مرگ را به همراه دارد. پزشکان هم وقتی با بیمار سرطانی مواجه می‌شوند، ابتلا به سرطان را به‌جای بیمار با احتیاط به یکی از نزدیکان او می‌گویند و توصیه می‌کنند که بعداً در شرایط مناسب به بیمار گفته شود. بیماری سرطان را به نام خرچک یا بیماری خاموش نیز می‌شناسند زیرا افراد معمولاً زمانی متوجه بیماری خود می‌شوند که فرصت پیشگیری از دست رفته است و بلافاصله و فوری باید درمان شوند.

آمار بیماری سرطان در کشور ما نیز مشابه برخی از کشورهای دیگر بسیار بالاست و در همه نقاط کشور با درصد‌های متفاوتی وجود دارد؛ اما در برخی از مناطق انتشار بیشتری دارد. استان یزد بیشترین بیمار سرطانی را دارد و بعد از آن زنجان در مرتبه دوم کشور است و استان سیستان و بلوچستان در مقایسه با سایر استان‌ها بیمار مبتلا به سرطان کمتری دارد.

برخی بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیماران مبتلا به سرطان در کشور رو به افزایش هستند؛ ازآنجاکه کشور ما به‌لحاظ جمعیتی در مرحله رشد بیشتر سالمندی است و آمار سالمندان رو به افزایش است، باید خانواده‌ها با حساسیت به مراقبت از آنان بپردازند و پزشکان احتمال ابتلای آنان به بیماری سرطان را کنترل کنند.



بعد از رشد جمعیت سالمندی، مسئله سبک زندگی و تغذیه از عوامل مؤثر در ابتلای افراد به بیماری سرطان است؛ در نتیجه موضوع اطلاع‌رسانی بسیار اهمیت دارد، این در شرایطی است که جمعیت زیادی از مردم سیگار می‌کشند و سیگار یکی از عوامل سرطان‌زا است که شوروختانه

است که شوروختانه

قادر باستانی

پژوهشگر

تبلیغات، تلاش آگاهانه دولت‌ها برای هژمونی سیاسی است. یکی از دلایل استیلای غرب، تسلط بر دستگاه‌های تبلیغاتی یا همان امپریالیسم خبری است که باعث تقویت حضور دولت‌های قدرتمند در کشورهای عقب‌مانده و توسعه‌نیافته و تشدید دخالت در تعیین سرنوشت سیاسی-اقتصادی آن کشورها شده است. دلیل موفقیت کشورهای پیشرفته در استفاده از اهرم تبلیغات را باید در حرکت با زمان و توجه به مخاطب و اصل مفاهمه و تبلیغات تعاملی جست‌وجو کرد.

در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با مدل خاصی از تبلیغات سیاسی مواجه بودیم. روحانیت به عنوان متکلمان دینی، متخصص تبلیغات بودند و این تسلط سهم بسزایی در پیاپی و قوام نظام اسلامی داشته است. روحانیان در علم کلام متبحر بودند. فارابی، هنر کلام را ملکه‌ای دانسته

که انسان به کمک آن می‌تواند از راه گفتار، به یاری آرا و افعال معینی که صاحب شریعت، آنها را به‌صراحت بیان کرده است بپردازد و هر چه را مخالف آن است، باطل کند. تبلیغات از منظر دینی، علاوه بر آگاهی‌بخشی به جنبه تربیتی توجه ویژه دارد و کمال تبلیغات در این

است که در نگرش‌ها، گرایش‌ها، عقاید و نهایتاً رفتار مخاطبان، تغییر جدی ایجاد کند.

این نوع از تبلیغات، زمانی اثرگذار است که مخاطب در برابر پیام‌های تبلیغی منفعل و نیز دسترسی به پیام‌های مخالف تبلیغات نداشته باشد. پس تا زمانی که مردم ما از تلویزیون، حق انتخاب شبکه یک یا دو را داشتند و از روزنامه‌ها، اطلاعات یا کیهان می‌توانستند بخوانند، این روش کاملاً اثربخش بود. اما اکنون مخاطب فعال است. فناوری هر مخاطبی را قادر کرده است بتواند به تولید و نشر پیام بپردازد. مخاطب امروز، دسترسی به منظومه بی‌شماری از رسانه‌های کوچک و بزرگ دارد که هیچ دولتی، امکان کنترل و بستن آن را ندارد. بنابراین تبلیغاتی که برای هدایت افکار عمومی و سوق‌دادن توده مردم به حمایت یا رضایت فعال از تصمیمات و استدلال‌ها، نفی هر نوع مخالفت با سیاست‌ها یا حداقل سکوت در برابر آنها به خوبی استفاده می‌شد، اینک کارایی خود را از دست داده است.

امروز افراد معمولی هم دارای کمی قدرت هستند و از خلاقیت و ابتکار برخوردار بوده و صاحب رای و عقیده‌اند و دیگر قدرت، دور از

صاف و ساده

مفاهمه به‌جای تبلیغات



قادر باستانی

پژوهشگر

دسترس مردم و مصون از انتقاد نیست. برخی مسئولان امر، به جای تغییر روش و اسلوب مردم‌داری، به فکر توسعه رسانه‌ها و بلندگوهای سازمانی افتادند. راه‌اندازی انواع روزنامه، خبرگزاری، سایت اینترنتی و کانال خبری، به‌وفور انجام شد، اما روش همان روش گذشته تک‌گویی بود و شورویخانه پافشاری بر پیشبرد این روش از سوی برخی مسئولان، اکنون موجب تقویت انسداد سیاسی شده است. اثرات این پدیده اجتماعی، این روزها با تشدید بحران اقتصادی و پیامدهای گریزناپذیر تحریم‌های ظالمانه آمریکا، بیشتر خود را نشان می‌دهد.

اگر در گذشته متکلمان با تسلط بر علم کلام، در فضای بی‌رقیب از جدل برای تبلیغات بهره می‌بردند، اکنون چاره‌ای ندارند که به جای جدل، از برهان استفاده کنند. برهان یعنی گفت‌وگو و اصولاً گفت‌وگو میان دو نفر صورت می‌گیرد که برای همدیگر اصالت قائل باشند. به طور معمول، متکلمان در مباحثه بنا ندارند مطلبی را روشن کنند یا اینکه انباشتی از علم صورت دهند، بلکه دوست دارند با تکیه بر گزاره‌های محسوس و مشهود، از امری به دفاع برخیزند و حریف را از میدان به‌در کنند. تسلط فضای تبلیغات این‌چنینی که بیشتر درصدد جذب نیروی اجتماعی و سیج آنها در جهت اهداف و مقاصد مشخص است، گفت‌وگو را به حاشیه برده است. وضعیت پیچیده فعلی در کشور ما،

حاصل آن است که مردمان به‌ویژه نسل جدید، در پی مفاهمه و گفت‌وگوی سازنده هستند، اما برای برخی در بر همان پاشنه قدیمی می‌چرخد و روش تک‌گویی برایشان تغییرناپذیر به نظر می‌رسد. ناگفته پیداست تبعات تداوم چنین شکاف در حال گسترشی، به نفع ملک و میهن نیست. دیگر امکان اینکه بتوان مسائل را در چارچوب جنس قریب و فصل بعید ارائه داد، وجود ندارد و لاجرم باید با حفظ مبانی، تن به گفت‌وگو و مفاهمه داد. ارتباط با نسل جدید، نباید به میدان یارگیری منجر شود، بلکه همه باید دنبال فهم مشترک باشیم. به قول دکتر خدنگی عزیز، وقتی میان نهادهای تصمیم‌ساز با اقتشار مختلف جامعه، سازوکار مناسبی برای گفت‌وگو نباشد، زمینه بروز نارضایتی‌ها به شکل اعتراضات خیابانی ایجاد می‌شود و به میزانی که نهادهای حاکمیتی بتوانند با آحاد جامعه به‌ویژه نهادهای مدنی گفت‌وگویی مؤثر داشته باشند، فهم مشترک ایجاد می‌شود و اکسیر نجات‌بخش امروز ایران ما، نیل به فهم مشترک است. جمهوری تبلیغات دیروز، باید به جمهوری مفاهمه امروز برسد تا ایران از گزند حوادث به دور بماند.

یادداشت

ایران باید بماند

به این مفاهیم ازلی-ابدی برای به سامان‌رساندن زیست خویشان آگاهی یابیم. «خرد» را هم از حکمران و هم از مردمان و شهروندان درخواست کنیم که دست‌مایه شهرآیینی و بهروزی همگان در گرو پایدنی به آن است.

«داد» را نیز از حکمرانان و پیشوایان درخواست کنیم که پایه ماندگاری همه حکومت‌ها همین بوده است که بزرگان دین فرموده‌اند: «العدل اساس الملك».

«راستی» نیز دیرزمانی است گویا در کردار و گفتار ما سستی گرفته و بیم آن است اگر در نگهداری از آن کوتاهی کنیم، رخت از خانمان ما بریند. مبادا، مبادا که چنین شود، مبادا،... که بازگردانن «راستی» و «درستی» به بستر جامعه بسیار سخت و توان‌فرساست.

«دهش» نیز دیگر گمگشته ما مردمان اکنون است، اگر هر کس سر خود گیرد و فقط به هوای خود باشد و بخشندگی و بخشایش را فراموش کند، زیان امروز و فردای این رفتار نکوهیده گریبان خود او را خواهد گرفت که روشن است هر که بخشندگی پنبه کند، از «دهش» و بخشایش و بخشندگی کردگار بزرگ بهره خواهد یافت، باری،

ایران باید بماند. ماندن این سرای روشنایی و مهر در گرو اندیشه و پایدنی ما به این دستور‌هاست که «خرد»، «داد»، «راستی» و «دهش» را پاس بداریم و نگاهبان باشیم و در گسترش اینها بکوشیم.

شده است که مادران جوان ناگزیرند یک نوبت از غذاخوردن را حذف کنند و به کودکانشان اختصاص دهند. بیش از ۱۱ درصد آنها نیز حداقل یک‌بار از غذای رایگان را برای خانواده خود دریافت کرده‌اند.



شده است که مادران جوان ناگزیرند یک نوبت از غذاخوردن را حذف کنند و به کودکانشان اختصاص دهند. بیش از ۱۱ درصد آنها نیز حداقل یک‌بار از غذای رایگان را برای خانواده خود دریافت کرده‌اند.

پرواز ۷۵۲

غمی که تمام نمی‌شود

● ایران کشور بزرگ و پرنمعی است. مساحت ایران از مجموع آلمان، لهستان، چک، اسلواکی، اتریش، مجارستان، رومانی، کرواسی، بوسنی، صربستان، مقدونیه، بلغارستان و سوئیس بزرگ‌تر است. وزارت امور خارجه چندی پیش گفت حدود شش میلیون ایرانی خارج زندگی می‌کنند که اغلب تحصیلات یا ثروت عالی دارند؛ جمعیتی که از دانمارک، سنگاپور، فلاند و نروژ بیشتر است و اکنون خارج از مرزهای ایران زندگی می‌کنند. با تلاش و کوشش بسیار در دانشگاه‌های جهان درس می‌خوانند و سعی می‌کنند بهترین مدارک و شغل‌ها را کسب کنند هرچند شاید بسیاری از آنها هرگز به یاد نیاورند که کشوری مانند ایران آمده‌اند یا آنجا به دنیا آمده‌اند. واقعیت این است که یک کشور کامل از افراد تحصیل‌کرده و ثروتمند صادر کرده‌ایم. اما اکنون در غم فاجعه نابودی هوایما هستیم. حالا در روزگاری هستیم که بیشتر خطوط هوایی اروپایی تا آخر سال پروازشان به ایران را به بهانه نبود امنیت قطع کرده‌اند، به گزارش ایلا، ۹۰ درصد توره‌ای نوروزی برای استان فارس لغو شده است. روزهای سختی را پشت سر می‌گذاریم؛ به دلیل تحریم خارجی و تبعیض داخلی. احساس می‌کنیم صدایمان شنیده نمی‌شود. امیدمان را کم کرده‌ایم و شادی را حق خودمان نمی‌دانیم؛ وضعیتی که پس از فاجعه پرواز اوکراینی ملت‌تهرت شده است.

در بین کار‌بران شبکه‌های اجتماعی هر کس از منطری به وضعیت کنونی می‌پردازد، یکی از نوشته‌هایی که بازتاب پیدا کرده، نوشته یکی از مهاجران است و این سؤال را مطرح کرده که می‌دانید چرا جامعه مهاجر ایرانی این‌چنین سوگووار و گریان است؟ چون ما همه به عزای خودمان نشسته‌ایم. شب‌ها در تاریکی با عذاب وجدان می‌خیزیم کنار بچه‌هایمان و در دل برای کودکان از دست‌رفته‌مان گریه می‌کنیم. همسرانمان را بغل می‌کنیم و برای دل تهنای مرد و زن مهاجری که همسرش باز نخواهد گشت، زار می‌زنیم. آخر ما مهاجرها در روزهای سخت غربت و بی‌کسی، کسی را جز هم ندانستیم. ما همه یک قصه مشترک داریم؛ قصه کندن و بردن. قصه دلتنگی و غریبی، ذوق ایستادن بدون کمک، ذوق به دنیا‌آوردن کودکانی که یک به یک ما را به سرزمین دور دوختند و با تکیه به آنها یا گرفتیم و جوانه زدیم.

نمی‌دانم چه رازی در این حادثه بود که این‌همه ما را به هم نزدیک‌تر کرد. گمانم این راز همان ۲۱ گرم روح است که هرگز در چمدان‌های ما ننگنجد. همان‌جا ماند، کنار شما. توی دهلیز قلب‌های شما.

آسمان جهان

زنان درگیر‌بدهی

● سی‌ان‌ان، یک‌سوم از زنان جوان در کشورهای بریتانیایی نظیر انگلیس و استرالیا انتظار ندارند تا قبل از ۴۰ سالگی از نظر مالی، بدهکار نباشند. بر اساس تحقیقات جدید منتشرشده، بیش از یک‌سوم (۴۰ درصد) از زنان جوان این کشورها همیشه در حال تلاش برای پول‌درآوردن و در هراس از بی‌کاری و بدهکارماندن هستند.

بسیاری از افراد مورد بررسی گفتند که آنها درگیر ترس روزانه بدهکاری برای وام‌هایی هستند که دریافت کرده‌اند. یک نفر از هر سه نفر معتقدند امکان ندارد تا رسیدن به ۴۰ سالگی از بدهی‌های شخصی رهایی پیدا کنند. در این تحقیق دو هزار زن و دو هزار مرد مورد بررسی قرار گرفتند که طبق آن ۵۲ درصد زنان نگران از دست‌دادن شغل بوده‌اند.

این نگرانی برای زنانی که با تفاوت‌هایی نظیر معلولیت، رنگین‌پوستی یا کسانی که ناگزیر از بستری‌شدن در بیمارستان بوده‌اند، وحیم‌تر است.

بیش از ۵۰ درصد از زنان در این گروه‌ها گفته‌اند به سختی تلاش می‌کنند تا بتوانند هزینه‌های خود را برای یک ماه تأمین کنند و حقوق دریافتی‌شان کفاف هزینه‌ها تا پایان ماه را بدهد. اما تصور یک‌سوم آنها این است که همیشه و «همه‌وقت» بدهکارند.

یک‌سوم از زنان معلول با مشکلات بهداشتی طولانی‌مدت می‌گویند که هنگام فکرکردن به مسائل مالی خانواده‌شان پر از ترس و وحشت می‌شوند.

این ترس‌ها و نگرانی‌ها در روند زندگی‌شان تأثیر گذاشته و امکان هرگونه فعالیت خارج از معمول نظیر رفتن به مراکز فرهنگی یا سفر را از آنان گرفته است.

درعین‌حال ۴۱ درصد زنان رنگین‌پوست و زنان دارای معلولیت دچار این نگرانی و هراس هستند.

در گزارش جداگانه دیگری همچنین مشخص شده است که مادران جوان ناگزیرند یک نوبت از غذاخوردن را حذف کنند و به کودکانشان اختصاص دهند. بیش از ۱۱ درصد آنها نیز حداقل یک‌بار از غذای رایگان را برای خانواده خود دریافت کرده‌اند.